

رژیم های اقتصادی و اسلام^(۱)

در این مقاله طرق حل مسائل اقتصادی از لحاظ کاپیتالیسم و سوسیالیسم و کمونیزم و فاشیسم با توجه باختلاف بیان مکتب های مختلف فکری که در اجتماع حاضر ببری مورد نظر و عمل قرار گرفته است تشریح گردیده آن سه راه حل مشکلات اقتصادی از لحاظ مکتب اسلام تشریح میشود

۱- اقتصاد کاپیتالیسم (سرمایه داری)

اساس ایدولوژی سرمایه داری و مبنای حکومت سرمایه داری روی سرمایه قرار گرفته است و سرمایه عبارت از ثروتی است که برای تولید ثروت بیشتری مصرف میشود.

تولید ثروت چه بوسیله کسب و تجارت و چه بوسیله صنعت یا تاسیس کارخانه و امثال آن جز با بکار انداختن سرمایه قبلی امکان پذیر نیست. استفاده از اصل سرمایه داری عبارت از این است که هر کسی حق دارد بوسیله ثروتی که اندوخته یا از راه ارث بدست آورده از طریق معامله آنرا بکاراندازد و در نتیجه از این عمل متمتع گردد. پس این ایدولوژی سرمایه داران آزادی مطلق میدهد که هر کس از هر طریقی که بخواهد در راه تولید ثروت فعالیت کند و از هر نوع عامل و ابزاری که در دسترس او قرار بگیرد برای وصول بقصود استفاده کرده، و هر بازاری را که برای فروش کالایش مناسب بداند انتخاب نماید، و از هر وسیله ای که برای انتفاع او مفید باشد کمک جوید.

با این توضیح فعالیت فردی و ابتکار شخصی مقرون با آزادی تمام، زمینه عمل سرمایه داری را فراهم میسازد، و این اولین اصل کاپیتالیسم (سرمایه داری) است و این اصل را از اینجهت تجویز میکنند که هر کسی بدینوسیله بانهایت آزادی در راه تولید ثروت میتواند از هوش و استعداد خود حداکثر استفاده

(۱). اقتباس از مجله اسلامیک ریویو بقلم محقق عالی مقام دکتر

فروغ علم ——— رژیم‌های اقتصادی

را کرده و در سایه این عنوان نیروی رقابت در همه افراد بیدار شده و هر کس شایسته‌تر و توانا تر باشد در میدان مسابقه حیات می‌تواند سهم بیشتری بدست آورد، تا جائیکه هر چه تولید بیشتر شود بهمان نسبت بر فاه و آسایش مادی نوده های بشری کمک خواهد شد و هر چند افراد معینی که توانائی و شایستگی بیشتری دارند بهتر متمتع خواهند شد، در عین حال کثرت تولید بصره جامعه است.

دلیل دیگری که بر صحت این اصل اقامه میکنند این است که اولاً افرادی که در صدد تولید بیشتری هستند میکوشند تا مواد خام را بقیمت نازلتری از منابع اصلی آن که طبعاً بعد و فور و ارزان در آنجا موجود است بدست آورند.

در نتیجه بدست آوردن مواد خام از منابع اصلی در مرحله اول فایده آن نصیب فروشندگان میشود که در غیر اینصورت نمیدانستند بازار فروش مواد خام شان کجاست.

ثانیاً— چون مواد خام را بقیمت ارزان بدست می‌آورند قیمت واحد کالائی که از آن بدست می‌آید طبعاً ارزان خواهد بود و برای مصرف کننده مناسب خواهد شد، و از اینراه عده زیادتری از ارزانی جنس بهره‌مند خواهند شد. نکته دیگر اینکه چون جنس بقیمت مناسبی تمام میشود تقاضای خرید زیادتر میگردد و هر چه تقاضای خرید زیاد تر شود بر تولید خواهد افزود و هر چه تولید زیادتر شود و کارخانه بیشتر دائر میگردد و برای کارگران کار بیشتر خواهد شد و این عمل باز بصره توده‌ها تمام میشود و هر چه توده‌ها بیشتر منتفع شوند بر قوه خریدشان خواهد افزود و بدین طریق تقاضای خرید فزونی خواهد گرفت و این عمل نیز فعالیت توده را تشدید خواهد کرد، تا جائیکه ثروت عمومی ملت روز افزون شده و نتیجه آن حد اکثر رفاه و آسایش عده بیشتری از افراد ملت خواهد بود و باین دلیل در عین حالیکه سرمایه داران برای کسب منافع خودشان میکوشند آسایش توده‌ها را نیز تامین میکنند.

در جریان سرمایه داری امر دیگری ضرورت پیدا میکند، و آن عبارت از جمع آوری سرمایه های پراکنده ایست که نزد افراد متعدد موجود است و باید برای آن اقدام کرد.

رژیم‌های اقتصادی ————— فروغ‌علم

تقاضای روز افزونی که برای بدست آوردن لذاذحیات بیش می‌آید و بالا بردن سطح زندگی در عصر جدید ایجاب می‌کند که میزان تولید خیلی توسعه یابد و کارخانه‌های عظیمی تاسیس شود و برای تأمین این منظور سرمایه‌های فردی هر چه زیاد شود و افراد هر چند ثروتمند باشند نمیتوانند تک‌تک و جداگانه کاری صورت دهند بعلاوه افرادی که پول دارند بطور کلی برای تولید ثروت نمیدانند چگونه آنرا مصرف کنند و از طرف دیگر چه بسا اشخاصی پیدا میشوند که هوش و استعداد کافی برای تولید ثروت دارند ولی پول ندارند که بکار اندازند و از کفایت و شایستگی خودشان در راه بدست آوردن ثروت بهره‌مند گردند .

برای تأمین هر دو منظور یعنی تجمع سرمایه‌های فردی و استفاده از شایستگی و کفایت افراد کم سرمایه بانکهها بر اساس ربح بوجود می‌آیند و همینکه بانک تاسیس شد افرادی که پول دارند و راه مصرف کردن آنرا ندانند پولشان را بانک می‌سپارند و ربح معینی دریافت میکنند .

آنگاه بانک همان پول را بار ربح بیشتری بعنوان وام در دسترس دیگران می‌گذارد و گیرندگان وام آنرا بمصرف تولید میرسانند یا در راه نجات بکار می‌اندازند و عادتاً فایده بیشتری از میزان ربحی که به بانک پرداخته‌اند بدست می‌آورند .

(سرف نظر از مقررات دینی) در این نحوه عمل خطائی مشهود نیست بنابراین عمل ربح یا بتعبیر دیگر رباکاری دومین پایه اساس کاپیتالیسم (سرمایه داری) است .

شرحی که بصورت فوق درباره جریبان سرمایه‌داری داده شد یک طرف قضیه را روشن نمود ولی طرف دیگر آن که عبارت از وضع حقیقی وام‌دهنده و وام‌گیرنده بر اساس مراجعه است باید از لحاظ نقد و تحلیل رسیدگی شود و آن این است که دستگاه مراجعه یا ربا خواری دارای دو نوع نقیصه اخلاقی است که یکی راجع به بستانکار و دیگری مربوط به بدهکار است . باین بیان .

وام‌دهنده که بستانکار شناخته میشود پولی را برای مدت معینی ب دیگری می‌پردازد و در مقابل آن اضافه‌ای از وام‌گیرنده که بدهکار نامیده میشود بعنوان ربح می‌گیرد در صورتیکه شخصاً در تولید ثروت سهمی از فعالیت ندارد و بدیهی است که این عمل عادلانه نیست زیرا وام‌گیرنده علاوه بر

فروغ علم ————— رژیم های اقتصادی

خطرهایی که برعهده دارد ابتکار و کوشش فراوانی در راه تولید باید اعمال نماید و در عین حال یوغ ربح پول روی گردن اوست. آری میزان ربح معین است و برای بانک فرق نمیکند که وام گیرنده (بدهکار) از بابت وامیکه گرفته است و بامصرف کردن آن کوشش هائی در راه تولید بخرج داده است سود ببرد یا زیان ببیند! در صورتیکه اگر بدهکار زیان ببیند از پاداش خواهد آمد و هرگاه سود ببرد سودی معادل ارزش واقعی عمل او نخواهد بود زیرا از همان نفعی که بدست آورده است باید مبلغی را بابت ربح بپردازد. نتیجه اینکه عامل مولد (بدهکار) کمتر از حق طبیعی بهره میبرد زیرا از دست ربح خودش باید بعامل غیر مولد (بستانکار) بعنوان ربح سهم بدهد. در اینجا نیز ملاحظه میشود که این عمل عادلانه نیست.

بعد از فراغت از این بحث بموضوع بحران و بیکاری میپردازیم و میگوئیم: گذشته از اینها اقتصادبون عمل مرابعه را از این نظر تجویز میکنند که میگویند: در حقیقت سرمایه را ربح بوجود میآورد زیرا بدون مرابعه تولید غیر ممکن است.

این تجویز وقتی معتبر است که سرمایه بدون ربح بمصرف تولید برسد و صاحب سرمایه از منافع حاصله سهم ببرد نه اینکه بدون توجه بسود و زیان مطالبه ربح کند.

آنچه رایج است این است که سرمایه دار بدون توجه بسود و زیان ربح معینی را از بدهکار میگیرد و کاری ندارد که نتیجه عمل بدهکار چه خواهد بود. در اینصورت صاحبان کارخانجات ناچارند دو نکته را رعایت کنند. یکی اینکه منافع خودشان را در نظر بگیرند و دیگر اینکه ربحی که به بانکها میپردازند بر قیمت کالا بیفزایند. نتیجه این میشود که تولید کنندگان کالا با توجه بمیزان ربحی که در خارج میپردازند قیمت واحد کالا را بالا ببرند و از اینجاست که قیمت کالا ترقی میکند. با ترقی قیمت کالا نیروی خرید عده زیادی از مردم سلب میشود و توده ها نمیتوانند بسیاری از اشیاء مطلوب خودشان را بخرند و از آن استفاده کنند. در اینصورت آنچه تولید میشود بازار مناسبی برای مصرف نخواهد داشت نتیجه این میشود که سیستم اقتصادی که بر اساس مرابعه بوجود آمده است همیشه صاحبان کارخانه ها را در معرض مخاطره قرار میدهد و مثلا شکایت میکنند که دو

رژیم‌های اقتصادی ————— فروغ علم

میلیون پیراهن موجود دارند و مشتری نیست. در صورتیکه در مقابل می بینیم دو میلیون کارگریکه همان پارچه را بافته اند لغت هستند و نمیتوانند پیراهن هارا بخزند .

این يك خسارت است.

وقتیکه چنین خسارتی رخ داد طبعاً تقاضای تولید کم میشود، همینکه تقاضای تولید کم شد بالمالزمه راه استفاده برای صاحبان کارخانجات مسدود گشته. در نتیجه وقتیکه صاحبان کارخانه از استفاده بعدی محروم شده کارخانه بسته میشود آنگاه تقلیل در مخارج و صرفه جوئی امری است حتمی، و دیگر تولید معنی ندارد به علاوه در آمد دولت و بتقلیل میرود، بیکاری و بهران پیش میآید و طبعاً رفاه و آسایش از جامه رخت بر میینند، حالا باید دید اگر در چنین جریانی موضوع ربح در میان نباشد اوضاع چه صورتی خواهد داشت؟ اگر ربح هر کار نباشد، دو میلیون پیراهن که از کارخانه بیرون میآید بقیمت نازاتری تمام خواهد شد و مشتری خواهد داشت.

از طرف دیگر دو میلیون کارگر که بواسطه رکود بازار بیکار شده اند میتوانند بکار گماشته شوند و کارخانه ها راه می افتند و بازار رونق میگیرد .

تقویت نیروی خرید از یکطرف و تنزل قیمتها از طرف دیگر باعث میشود که دو میلیون کارگر برهنه بوسیله دو میلیون پیراهن موجود پوشیده میشوند در صورتیکه قبلاً با پرداخت ربحیکه صاحبان کارخانه بر عهده داشتند بازاری برای فروش نبوده و چنین اقدامی مقدور نبود. (۱)

از این قسمت که صرف نظر شود، در عالم سرمایه داری بر اساس سابق الذکر يك خطر دیگری عرض وجود میکند و آن اینست که تولید زیاد منتهی بتوقف عملیات کارخانجات میشود و چه بسا که در میدان مسابقت تجارت ورقابتهای شدیدی که طبعاً برای مصرف کردن کالا و بدست آوردن بازار

(۱) فروغ علم - در اینجا مزه کم و ضعف قدرت خرید کارگر تنها معلول

مراجه و وجود ربا در جامعه سرمایه داری دانسته شده است.

در صورتیکه در این مورد نفع پرستی بی حد و مرز سرمایه داران و استفاده

زنان و کودکان بزند کم و بیکار ماندن مردان سالم و توانا و رقابتهای فردی

بدون توجه باحتیاجات و قدرت خرید توده نیز دخالت مؤثری دارد



فروغ علم ——— رژیم‌های اقتصادی

فروش بعمل می‌آید، آشفته‌گی و هرج و مرج و جنگ و امثال آن رخ میدهد.
برای توضیح می‌گوئیم:

در عالم اقتصاد قانونی است که:

هرچه سرمایه بیشتری برای تولید مصرف‌شود قیمت واحد کالا ارزاتر تمام میشود و آنرا «قاعدهٔ تکثیر محصول» یا «قاعدهٔ تقلیل قیمت» مینامند.

بدیهی است این قانون سرمایه داران حکم میکند که تمام قوایشان را صرف تکثیر سرمایه نمایند تا بتوانند محصول بیشتری بقیمت نازلتری بدست آورند. نتیجهٔ این فعالیت این میشود که تولید بیشتر از حد احتیاج صورت گیرد، آنگاه تولید زیاد میشود و قیمتها تنزل میکند.

هرگاه قیمتها از حد معینی تنزل کرد طبعاً میزان فایده و بهرهٔ سرمایه‌داران کمتر میشود. در چنین جریانی سرمایه داران و بانکداران دچار وحشت میشوند و از اعطاء اعتبار بصاحبان کارخانه خودداری میکنند و چه بسا اعتبار هائی را که قبلاً داده بودند تقلیل میدهند یا بالمره قطع میکنند.

بازرگانان و خورده فروشان از خوف تنزل بیشتریکه برای کالاها پیش بینی میکنند از خرید محصول کارخانجات خودداری میکنند باز نتیجه‌اش این میشود که هزاران کارخانه مسدود میگردد و ملیونها کارگر بیکار میشوند و طبعاً ملیونها افرادی که نیازمند اشیاء مطلوبی هستند که از آن استفاده کنند از وصول بآن محروم میگرددند. و باز این خودخسارتی است سرمایه‌داران برای اصلاح چنین وضع وخیم، و برای جلوگیری از سقوط بیشتر، و بمنظور تامین منافشان دست بکار اقدام ظالمانهٔ دیگری میشوند که مفایر با اصول انسانیت است.

اقداماتی که میکنند دو صورت دارد: یکی صورت داخلی و دیگری صورت خارجی.

اقدام داخلی سرمایه‌داران یعنی عملی که در داخلهٔ کشورشان مرتکب میشوند این است که قسمتی از محصول موجودشان را یا میسوزانند یا بصورت دیگری نابود میکنند، یا اینکه قسمت عمدهٔ آنرا در دریا میریزند در صورتیکه ملیونها افراد نیازمند همان محصول هستند و با کمال حسرت بآن مینگرند و قبح این عمل محتاج بیحث نیست.

رژیم های اقتصادی ————— فروغ علم

اما اقدام خارجی در صورتی است که از اقدام داخلی خودداری کرده باشند و آن اغلب بدین طریق صورت میگیرد که :

برای اینکه بار سنگین قرضشان را بدوش دیگران بگذارند و از قدرت خرید دیگران سوء استفاده کنند در ممالک خارجه بدست و پا می افتند و برای محصولاتشان بازار تهیه میکنند و بهمین قدر نیز اکتفا نمیکند بلکه میکوشند که مواد خام را بنازلترین قیمتی که ممکن است از دست صاحبان آن برآیند و به صرف صنایع داخلی خودشان برسانند. این اقدام بالضروره منجر باستعمار میشود

بدین طریق اصول کاپیتالیزم (سرمایه داری) سیر نهائیش را بجائی میرساند که منتهی بامپریالیزم (جهانگیری) میشود و لازمه امپریالیزم استثمار ملل ضعیف تر است . و چون امپریالیزم هم نمیتواند به انحصار یک ملتی بماند ملت های دیگری پیدا میشوند و همین راه را پیش میگیرند و نتیجه از بد بدتر میشود .

باین معنی که قضیه صورت رقابت های بین المللی را بخود میگیرد و آن نیز ملازمه با آتربیک و ایجاد هرج و مرج سیاسی و فساد اخلاق دارد که طبعاً این اقدامات بجنک بین الملل میکشد و منتهی بخرابی و تزلزل اصول انسانیت میگردد .

و از این گذشته اصول سرمایه داری بر اساس مراحه که بالنتیجه موجب تمرکز سرمایه نزد افراد معین و معدودی میگردد لازمه آن اینست که در مقابل ، افراد متعدد دیگری هر روز فقیرتر و ناتوان تر میشوند باین بیان که اگر فرض کنیم شخص معینی دارای صد هزار ریال سرمایه باشد و در سال جاری آن را باریج صدی ده بدیگری قرض دهد سال آینده صاحب یکصد و ده هزار ریال خواهد شد و در سال بعد (بدون در نظر گرفتن ریح مرکب) صاحب یکصد و بیست هزار ریال و بهمین طریق سر سال ده هزار ریال بر سرمایه او افزوده خواهد شد بدیبهی است این اضافه پرداخت هر سال از جیب بدهکار خارج میشود و بهمان نسبت از دارائی او کاسته و طبعاً فقیر تر میشود . یعنی اگر فرض کنیم در چنان کشوری اسمال بیست نفر فقیر وجود داشته باشد با توجه بچریان فوق سال بعد عده شان به بیست و پنج نفر



فروغ علم ————— رژیم‌های اقتصادی
 خواهد رسید (۱) و سال بعد از آن بسی نفر الخ ... از طرف دیگر اثر
 طبیعی این عمل این خواهد بود که اگر امسال مثلاً درچنان کشوری پنج
 نفر متمول وجود داشته باشد سال آینده چهار نفر خواهد شد و سال بعد از
 آن ۳ نفر الخ ...

و نتیجه آن این خواهد بود که شکاف عمیق و فاصله بعیدی بین انبوه
 کارگران محروم از طرفی و یکمده ملثونر از طرف دیگر بوجود خواهد
 آمد .

بینویان همینکه روی بافزایش گذاشتند تقاضای کار زیاد خواهد شد
 و همینکه تقاضای کار زیاد شد قهرآ مزد کار تنزل خواهد کرد و در این صورت
 سرمایه‌دار بهر قیمتی که بخواهد میزان مزد را تعیین خواهد کرد و هر نوع شرایطی
 را که بخواهد بر کارگران تحمیل خواهد نمود . در چنین حالتی اگر یک نفر
 کارگر برای پذیرفتن شرایط سنگین حاضر نباشد ده نفر دیگر بهسولت حاضر
 خواهند شد . بدین طریق در محیط سرمایه‌داری عنیف اروپائی استثمار بیرحمانه
 نروتمندان از طبقه ضعیف امری طبیعی است و قهری .

» بحث در سایر مکاتب را در شماره آینده ملاحظه خواهد فرموده .

(۱) فروغ علم . مقصود نویسنده در اینجا همان اصل تمرکز در علم
 اقتصاد است که سرمایه داران بزرگ با قدرت تولید بیشتر و تهیه کالا بقیمت
 ارزانتر سرمایه داران متوسط را شکست داده روز بروز از تعداد طبقه متوسط
 کاسته و طبقه کارگر و بی چیز اضافه میگردد

خوشم در آن هنگام که همی بینم درویشی بتوانگری کبریا فروشد
 زیر اخدای توانگران را پشتیمان خود دانند . و خوشم در آن دم که بنگرم توانگری
 در برابر درویشی فروتنی کند و در این فروتنی رضای خدای خدای درویشانرا
 باز جود

از کتاب سخنان علی (ع)